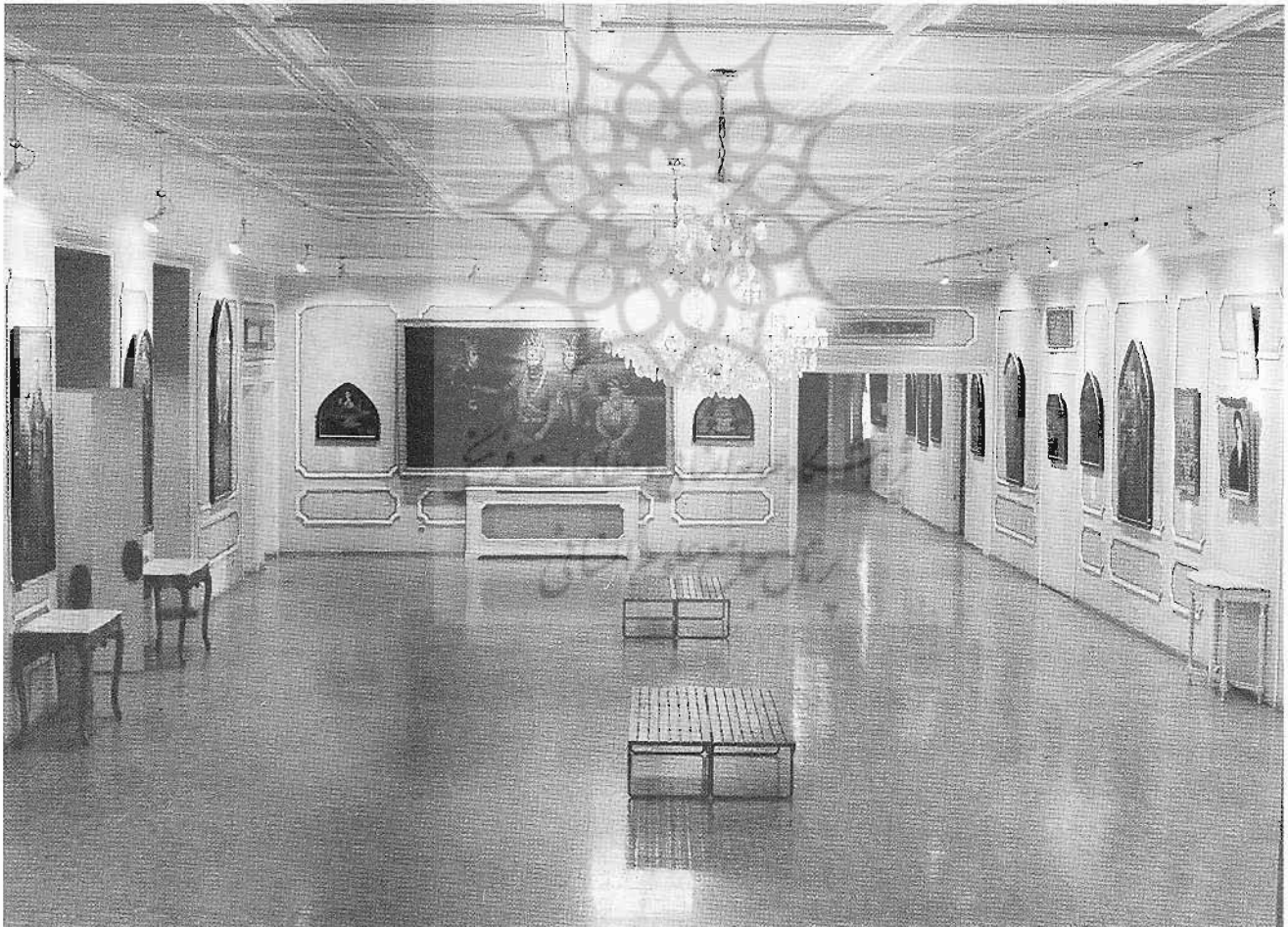


# موزه هنرهای زیبا

## «کاخ - موزه‌ای از مجموعه فرہنگی سعدآباد»

ذبیح‌الہ بداعی

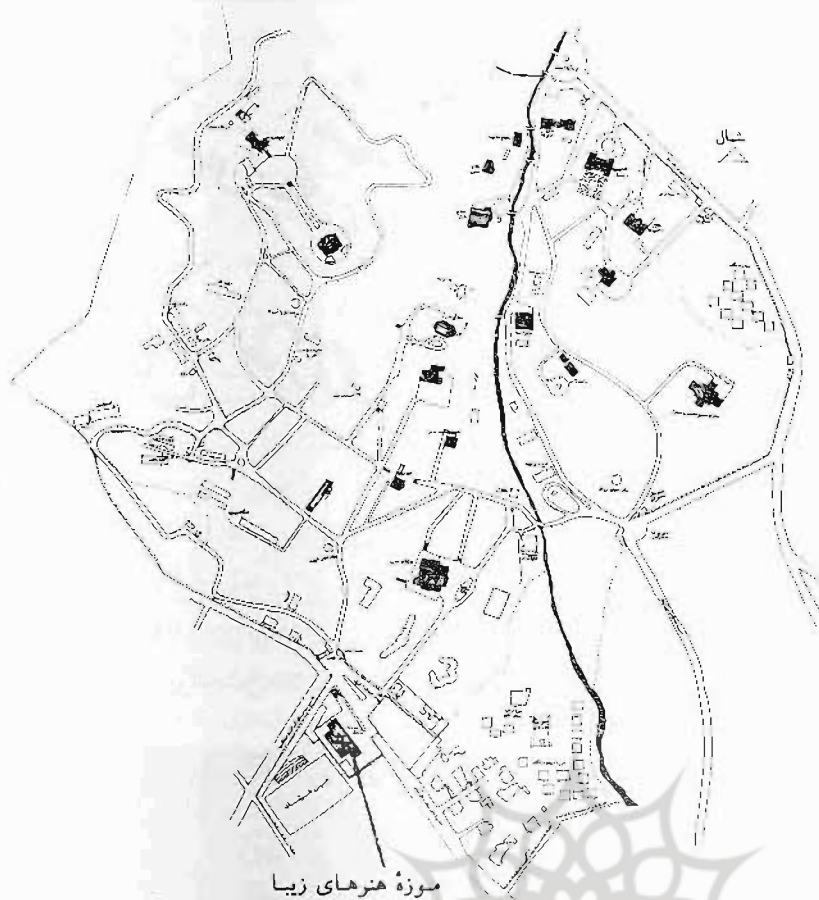
نمایی از سالن نقاشیهای ایرانی در موزه هنرهای زیبا. تصویر پرده نقاشی «تاج - بخشی نادر»، اثر ابوالحسن، نقاش دوره افشاریه، در انتهای سالن دیده می‌شود.



صاحب‌ذوقی، آن‌همه تابلوی زیبای نقاشی را ببیند، بی تردید در دل خواهد گفت که: کاش دامنه بازدید از این گسترده‌تر بود و شمار بیشتری می‌توانستند از دیدن آن همه زیبایی لذت ببرند. اگر چه نباید این نکته مهم را نیز نادیده گرفت که شاید بیش از نود درصد بازدیدکنندگان از مجموعه فرهنگی سعدآباد، نه برای دیدن اشیاء موزه‌ای و آثار هنری، که برای دیدن خود کاخها و چگونگی زندگی آنانی که در این عمارتها می‌زیسته‌اند، به سعدآباد می‌آیند و شماری از آنها نیز تنفس در هوای پر از اکسیژن محوطه چهارصد و ده هکتاری را، حتی به دیدن کاخها ترجیح می‌دهند.

\*\*\*

موزه هنرهای زیبا ساختمانی سه طبقه است، که مجموع این طبقات، زیربنایی معادل سه هزار و ششصد متر دارد و در زمینی برابر با هفت هزار متر بنا شده است. ساختمان این عمارت در زمان رضاشاه آغاز شد و ظاهراً قرار بود کاخ باشد. سنگهای مرمر سیاهی که از معدن مرمر ولی‌آباد چالوس آورده بودند، در ساختمان این عمارت به کار رفت، و از این رو به کاخ سیاه معروف شد. سیاهی مرمرها و شاید عنوان کاخ سیاه پس از دوره رضاشاه باعث شد که این کاخ نیمه تمام را نامیمون پندارند و مرمرهای سیاه را باسنگهای دیگر تعویض کنند و ساختمان را به پایان برسانند<sup>۱</sup>. اما شاید همین تصور نامیمون بودن این کاخ باعث شده باشد که دیواری، آن را از دیگر بناهای مجموعه سعدآباد جدا کند.



موزه هنرهای زیبا

نقشه موقعیت موزه هنرهای زیبا در مجموعه فرهنگی سعدآباد.

هنگامی که بنای ساختمان تمام شد، آن را به وزارت دربار تبدیل کردند. در آغاز انقلاب اسلامی، اداره کل موزه‌ها (از ادارات کل وزارت فرهنگ و هنر سابق) و اداره کل کاخها که بعدها به اداره کل کاخ - موزه‌ها تغییر نام داد، در این ساختمان جای گرفتند. پس از جا به جایی اداره کل موزه‌ها، ساختمان به بخش اداری کاخها تبدیل شد و چندی بعد، قسمتی از آن به موزه اختصاص داده شد. در سال ۱۳۶۴، بخش اداری کاخها به جایی دیگر منتقل شد و

۱ - همه اطلاعاتی که در مورد تاریخچه بنای ساختمان موزه هنرهای زیبا در دست است، همین است که در آغاز گفتگو با سرپرست موزه (آقای کیکاووسی) به دست آمد و ایشان نیز این اطلاعات را با استناد به گفته‌های استاد حسین لوزاده، معمار باشی کاخها در اختیار نگارنده قرار دادند.

ساختمان به تمامت در اختیار موزه هنرهای زیبا قرار گرفت.

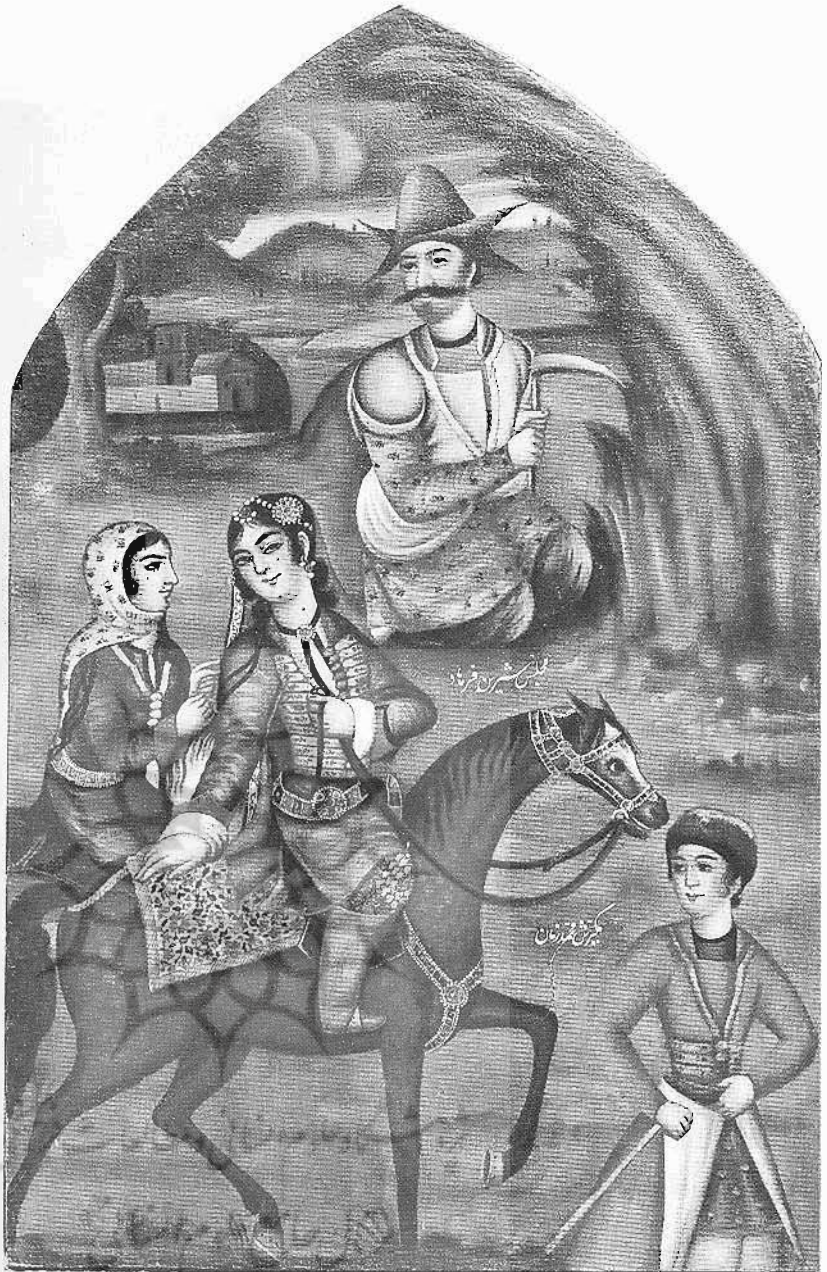
هر طبقه، از سه طبقه ساختمان موزه، سالن بزرگی دارد و درهای حدود ده تالار کوچکتر دیگر، به همین سالن اصلی باز می‌شوند. در تمام طبقات موزه، تابلوهای نقاشی بسیار زیبایی از شیوه‌ها و مکاتب گوناگون هنری ایران و جهان بر دیوارها به نمایش نهاده شده‌اند و شمار اشیاء دیگر موزه‌ای (مثل مجسمه، نقش برجسته، ظرف، میز و آینه، گلدان ...) بسیار اندکند. ظروفی که در این موزه نگهداری می‌شوند و عموماً آنها را می‌توان در قاب آینه‌هایی در طبقه سوم دید، در کارخانه‌های معروف چینی سازی دنیا - مثل کارخانه سور<sup>۲</sup> و کارخانه ساکس<sup>۳</sup> آلمان یا کارخانه‌های چینی سازی ژاپن و چین - ساخته شده‌اند که بسیاری از این کارخانه‌ها در حال حاضر وجود ندارند و ظروف موجود در موزه، به وسیله نقاشان معروف نقاشی شده، در کوره‌های همان کارخانه‌ها پخته شده‌اند.

مجسمه‌هایی نیز که در موزه نگهداری می‌شوند، اغلب مفرغی‌اند.

\*\*\*

گفتیم که عمده‌ترین اشیائی که در موزه به نمایش گذاشته شده، تابلوهای نقاشی است. این تابلوها باز مانده هنر نقاشان ایرانی و خارجی است.

طبقه هم کف موزه و چهارده تالار



مجلس شیرین و فرهاد، محمد زمان، رنگ‌روغن روی بوم، ۱۳۹ × ۸۹ سانتیمتره صفویه.

۲ - Sèvres

۳ - Saxe

آن به نمایش نقاشیهای ایرانی اختصاص دارد. این نقاشیها رنگ روغنی یا به اصطلاح ایرانی آن لاک‌اند و از دوره صفویه تا اوایل عصر حاضر را در بر گرفته‌اند. بدان سبب دوره صفویه را به عنوان نخستین دوره نقاشیهای ایرانی موزه در نظر گرفته‌اند، که رفت و آمد و ارتباط با کشورهای اروپایی در همان دوره آغاز شد. در نتیجه این ارتباط، هدایایی بین دربار ایران و کشورهای اروپایی رد و بدل می‌شد که از آن جمله تابلوهای نقاشی را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد<sup>۴</sup> پیش از آن نقاشی رنگ‌روغنی در ایران رواج نداشت و شاهان صفوی که به این نوع نقاشی علاقه‌مند شده بودند، شماری از نقاشان اروپایی را به خدمت گرفتند. در عصر سلطنت شاه‌عباس دوم، نخستین نقاش ایرانی به اروپا رفت تا از نزدیک با شیوه نقاشی اروپایی آشنا شود. این نقاش محمدزمان بود که یکی از آثار او در این موزه موجود است.<sup>۵</sup> نقاشیهای دوره صفویه - جز تنها اثر محمدزمان که امضای او را دارد - بدون رقم نقاشند. در همه اعصار رسم بر این بوده‌است که هنرمندان ایرانی چندان فروتن باشند

۴- برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به مقدمه کتاب «مجموعه‌ای از نقاشیهای ایران در سده دوازدهم و سیزدهم هجری قمری»، تهران ۱۳۵۱.

۵- رجوع کنید به «نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم و سیزدهم»، موزه نگارستان، ۱۳۵۴، مقاله «محمدزمان نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شد» نوشته یحیی ذکا.



قالیافی، اثر موسی، رنگ روغن روی  
بوم، ۵۹ x ۷۹ سانتیمتر، قاجاریه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کاسه بشقابی دوره گرد، آبرنگ و پرداز،  
اثر حسین طاهر زاده بهزاد، ۳۰ x ۴۰  
سانتیمتر، معاصر.

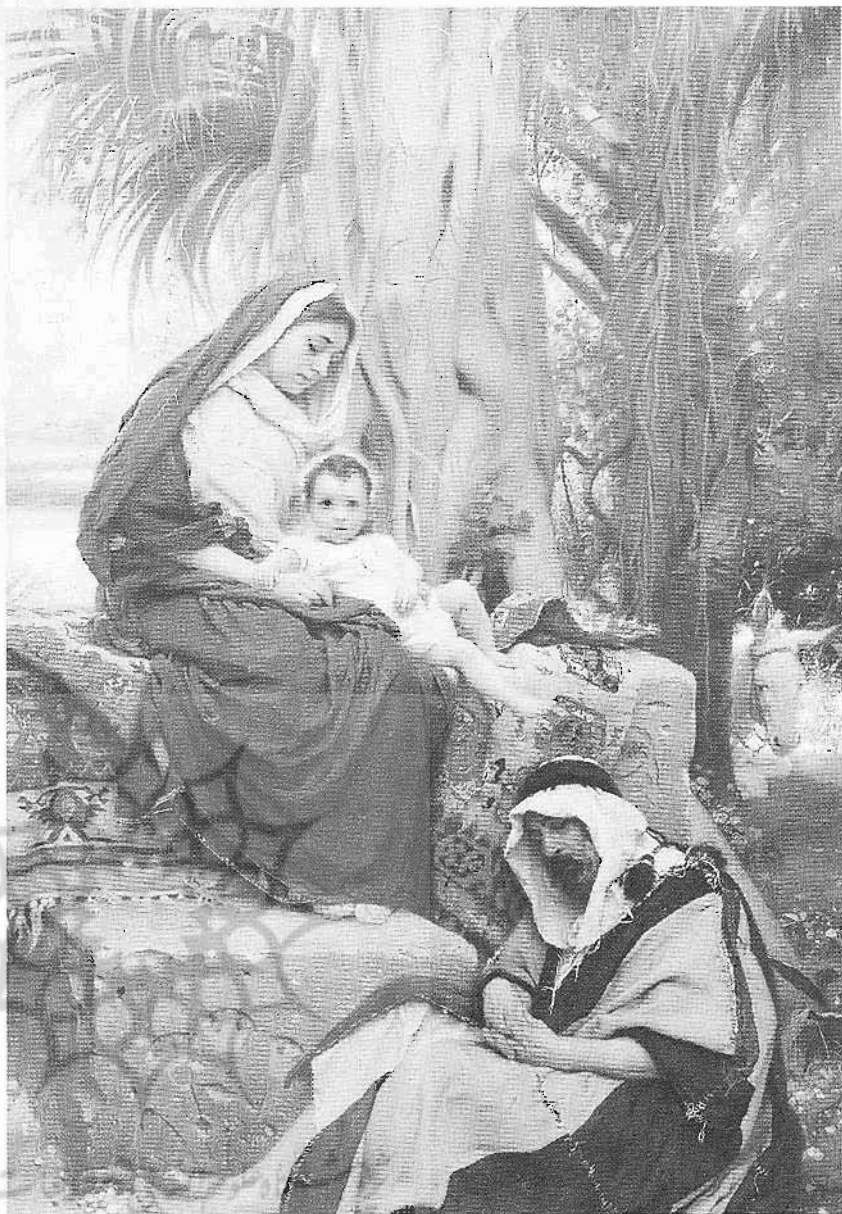
تابلوی آن راه پیش از انتقال به موزه هنرهای زیبا به روی بوم برگردانده بوده‌اند و یکی از آنها نیز اخیراً برگردانده شده، ولی بقیه آنها هنوز روی گچ هستند.

اغلب آثار نقاشی طبقه هم‌کف موزه، از موزه نگارستان - پس از تعطیل آن موزه - به کاخهای سعدآباد و سرانجام به موزه هنرهای زیبا منتقل شده‌اند.

از دوره افشار تنها یک تابلو بسیار بزرگ که «تاج بخشی نادر» نام دارد به جای مانده است. نادر، پس از فتح دهلی، تاج شاهی آن دیار را به محمدشاه، سلطان شکست خورده هند بر می‌گرداند. این تابلو صحنه تاج بخشی او را می‌نمایاند که توسط ابوالحسن در سال ۱۱۸۹ ه.ق. نقاشی شده است. پسران نادر، محمدشاه، سلطان مغلوب هند و میرزا زکی، منشی نادر نیز در تابلو دیده می‌شوند. این تابلو رنگ روغن بر روی بوم است و ۱۶۶ × ۳۰۴ سانتیمتر طول و عرض دارد.

نزدیک به ۲۰ تابلو از دوره زندیه در موزه هست که عموماً از مذهب الهام گرفته‌اند و اغلب حضرت علی و حسین (ع) و گل و مرغ در آنها تصویر شده‌اند. این تابلوها رنگ روغن بر روی بوم‌اند. سیدمیرزا، میرزاابا و محمدصادق (آقاصادق) از نقاشان دوره زندیه‌اند که پس از سرگ کریمخان از شیراز به تهران آمدند و بنیانگذاران مجمع هنرمندان دوره

۶- ر. ک. همان کتاب، مقاله «طرز رقم زدن و نمونه‌ای از فروتنی هنرمندان ایرانی»، نوشته یحیی ذکاء.



تابلو امضای حضرت مریم (ع)،  
پیروان در اودرا، رنگ روغن روی  
بوم، ۱۱۱ × ۷۴ سانتیمتر، مکتب  
فلاندر.

که حتی امضای خود را بر اثری که خلق می‌کرده‌اند نگذارند و چه بسیار هم بوده‌اند کسانی که به پاس آموزشی که در محضر استادی دیده‌اند و به احترام او امضای استاد را در زیر اثر خود داشته‌اند. این روش تا یکی دو دهه اخیر نیز بوده است.<sup>۶</sup>

از دوره صفویه، هجده تابلوی نقاشی روی گچ موجود است که شش

قاجاریه شدند.

گلدان تزئینی از چینی و برنز، ساخت کارخانه سور فرانسه.

نقاشی لاک‌ی یا رنگ روغنی، در دوران قاجاریه اوج گرفت و بیشترین تصاویر در همین زمان به وجود آمد.<sup>۷</sup> عمده‌ترین موضوعاتی که نقاشیهای عصر قاجار را در بر می‌گرفت، عبارت بودند از:

۱- تصاویر پادشاهان و شاهزادگان.

برجسته‌ترین اثری که در این زمینه هست و در موزه هنرهای زیبا نگهداری می‌شود تصویر فتحعلیشاه در لباس رسمی دربار قاجار است، در حالی که تاج مرصع بر سر و عصای مرصع در دست دارد و ریش بلند او تا

زمستان در غروب، شولتز، رنگ‌روغن روی بوم، ۸۴ × ۹۴ سانتیمتر، مکتب روس.



کمرش رسیده است. این تابلو که رقم مهرعلی اصفهانی را به تاریخ ۱۲۲۸ هـ.ق. دارد، به گفته رابینسون، هنرشناس انگلیسی، یکی از بهترین نقاشیهای ایرانی است.

۲- تصاویر رقاصه‌ها و نوازندگان یا زنان بزم افروز.

شاخص‌ترین اثری که در این زمینه موجود است رقم ابوالقاسم را با تاریخ احتمالی ۱۲۴۰ هـ.ق. دارد.

۳- تصاویر داستانهای مذهبی و قدیمی.

۷- ر.ک. همان کتاب، مقاله «نگارگران دربار فتحعلیشاه» نوشته پ. و. رابینسون، ترجمه کلود کرباسی.



در این زمینه تصویر داستان معروف یوسف و زلیخا را می‌توان ذکر کرد که موزه، نزدیک به بیست اثر نقاشی در این زمینه را دارد.

دوره محمدشاه قاجار با تصاویری از عرفا، شعرا و دانشمندان ایرانی مشخص می‌شود که همه آثار موجود در این زمینه را رجبعلی، نقاش دوره محمدشاه، نقاشی کرده است. همه این آثار با جمله «حسن کلک رجبعلی زعلی است» رقم زده شده‌اند.

آثاری از هنرمندان معاصر ایرانی نیز در برخی از تالارهای طبقه هم‌کف موزه هست. این هنرمندان عبارتند از: سهراب سپهری، پرویز کلاتری، حسین محجوبی، فرامرز پیلارام، حسین زنده‌رودی، محمود جوادپور، صادق تبریزی و رضا مافی.

در میان چهارده تالار این طبقه، برخی به آثار یک نقاش اختصاص داده شده که عبارتند از:

تالار ۵ به آثار رجبعلی؛

تالار ۸ به آثار کمال‌الملک؛

تالار ۹ به آثار محمود فرشچیان؛

تالار ۱۰ به آثار حسین طاهرزاده بهزاد.

ضمناً در تالار ۱۱ مینیاتورهای

دوره صفویه و در تالارهای ۱۲، ۱۳

و ۱۴ نقاشیهای قهوه‌خانه‌ای را به

نمایش گذارده‌اند؛ به این ترتیب که

آثار مذهبی در تالار ۱۲، آثار رزمی در

تالار ۱۳ و آثار داستانی و بزمی در تالار ۱۴.

در میان نقاشان قهوه‌خانه‌ای به این

اسامی بر می‌خوریم.

حسین قوللر آغاسی، محمد مدبر،

شده‌اند.

مترجم، این سه مطلب را از جلد سوم «فرهنگ معماران، نقاشان، مجسمه‌سازان، طراحان و...» تألیف E. BENEZIT، چاپ ۱۹۶۶ ذیل واژه «École» (مکتب) ترجمه و تلخیص کرده است. ما این سه ترجمه را در همین شماره و به دنبال همین مطلب چاپ می‌کنیم. برای آشنایی با دیگر مکاتب ملی می‌توانید به همان کتاب مراجعه کنید.

نگارنده در جستجوهای خود، به کتاب دیگری نیز، در کتابخانه موزه فرش ایران برخورد که برای آگاهی بیشتر از این مکاتب می‌توان به آن مراجعه کرد. آن کتاب

The Enjoyment of Art in America

نام دارد که توسط رجینا شولمن

(Regina Shoolman) و جالز ای. اسلاتکین

(Charles E. Slatkin) نوشته شد و به همت

جرج هارولد ادگل (George Harold Edgell)،

رئیس موزه هنرهای زیبای بوستون، واقع در

ایالت ماساچوست آمریکا نشر یافته است.

مکاتب معرفی شده در این کتاب عبارتند از:

ایتالیایی، فلاندری، اتریشی، اسپانیایی، آلمانی،

فرانسوی، انگلیسی و آمریکایی.

میرزامهدی نقاش شیرازی، حسن اسماعیل‌زاده، عباس بلوک‌فر یا بلوکی‌فر، حسین همدانی و فتح‌اله یراقچی، که این آخری نیز به این دلیل که پسر خواننده قوللر آغاسی بوده، به احترام او «قوللر آغاسی» امضا می‌کرده است.

\*\*\*

در طبقه دوم و سوم موزه نقاشیهای زیبایی از نقاشان اروپایی در مکاتب و شیوه‌های گوناگون به نمایش در آمده‌اند و در این میان برخی از گالریها آثار مکتب خاصی از نقاشی را در بر گرفته است.

در موزه هنرهای زیبا، نقاشیهای غربی را بر اساس مکاتب ملی، مثل مکتب فلاندر، مکتب انگلیس، مکتب فرانسه، مکتب روس و... تقسیم بندی کرده‌اند و بر این اساس برای دسترسی به ویژگیهای هر یک از این مکاتب به ترجمه مطالبی نیز پرداخته‌اند.<sup>۸</sup>

اشاره به این موضوع نیز ضرور است که شاید بهتر باشد مطالعاتی در زمینه شیوه‌ها و سبکهای هنری این نقاشیها، سوای بررسی آنها در مکاتب ملی، صورت دهند و در صورت لزوم به گونه جزواتی در اختیار بازدیدکننده قرار گیرد.

به امید اینکه با رفع اشکالات و کمبودها هر چه زودتر موزه به روی همه علاقه‌مندان گشوده شود.

۸ - سه نسخه از این ترجمه‌ها به صورت جزوه‌های پنی‌کپی شده‌ای در اختیار نگارنده قرار گرفت. این سه جزوه، با نامهای مکتب انگلیس، مکتب فلاندر و مکتب فرانسه، به وسیله خانم م. نورماه به فارسی برگردانده



همان طور که در زیرنویس شماره ۸ مقاله موزه هنرهای زیبا نوشته شد، سه مکتب از مکاتب ملی موجود در نقاشی، توسط خانم م. نورماه ترجمه، تلخیص و تألیف و در موزه هنرهای زیبا تکثیر شده است. برای آشنایی با این سه مکتب (مکتب فلاندر، مکتب انگلیس و مکتب فرانسه) این سه ترجمه را چاپ می‌کنیم و برای آشنایی با مکاتب دیگر، خواننده را به همان زیر نویس و مآخذ ذکر شده در آن ارجاع می‌دهیم.

زمینهای پست (هلند...) موضوع صحنه‌های زندگی روزانه (Peinture de genre) را انتخاب کرد؛ اگر چه این صحنه‌های زندگی انگلیسی بود که با درکی از کاریکاتور و طنزی کاملاً بریتانیایی تصویر می‌شد. ویلیام هوگارت کاریکاتورسازی نابغه بود. نقاشان دیگری در مکتب انگلیس از او پیروی کردند. انگلیس، در سده هیجده میلادی از چهره سازان برجسته‌ای به خود می‌بالد و گرچه چهره سازان انگلیسی همچون سرجوشوا رینولدز (Sir Joshua Reynolds) و رقیب بزرگ وی توماس گینزبورو (Thomas Gainsborough) هیچ یک به مهارت نقاشان فلاندری که پیرو آنان بودند نرسیدند، اما توانستند به چهره‌ها جذابیت و نجابتی کاملاً بریتانیایی دهند.

در همین زمان منظره سازان اصیل نیز دست به کار شدند. چند هنرمند انگلیسی که در نقاط گوناگون جهان زندگی می‌کردند، در جنبش کهن گرایانه شرکت کردند. انگلیس بسیار زودتر و کامل‌تر از فرانسه پیرو شیوه شاعرانه (Romantique) بود، زیرا نقاشان انگلیسی، هرگز سنت رنگ‌آمیزی فلاندری را رها نکرده بودند و اگرچه بونینگتن (Bonington)، منظره ساز ماهر، این شیوه را در فرانسه آموخت، اما قبل از او، جان کانستبل (J. Constable) تحت تأثیر دو نقاش - رویزدل (Ruysdaël) و کلود لورن (Claude Lorrain) - منظره‌های نورانی را نقاشی کرد و ویلیام ترنر (William Turner) با نقاشی رنگ روغن به جستجوی نتایج کار با آبرنگ پرداخت. او منظره‌هایی را که به هیچ وجه واقعی نبودند عرضه کرد. در حالی که در اروپا شیوه‌ای واقع‌گرا علیه شیوه شاعرانه به وجود آمد. انگلیس با ویژگی‌هایی در جنبش پیش - رافائل‌گرایی (Pré-Raphaélite)

### مکتب انگلیس

انگلیس، که به سنت‌های قدیمی خود مختارش وابسته است، تا قبل از سده هیجده میلادی، مکتب ملی واقعی در هنر نداشته است. حتی این فرانسویان و سپس فلاندریها بودند که به تزئین خانه‌ها و ساختمانهای عمومی این مردم کشاورز و تاجر می‌پرداختند. در حقیقت، بریتانیای کبیر، هرگز برای دو قدرت بزرگ هنری که نفوذشان بر تاریخ آتی هنر مشخص است، برتری نداشته است.

هنرانگلیس، به شدت تحت تأثیر نقاشان خارجی، به ویژه فلاندریها بود، که در اصل به خاطر سکونت چهره سازانی مانند وان‌دیک (Van Dyck) در انگلیس است. این هنر، ویژگی‌های یک مکتب ایالتی را دارد و دست‌کم تا سده هیجده میلادی، هنرمندان این مکتب مطمئن نبودند، یا جرأت نمی‌کردند که در انواع بزرگ کارکنند. آنها عمدتاً کشور و جامعه عصرشان را رسم می‌کردند.

ویلیام هوگارت (William Hogarth) اولین نقاش انگلیسی آن زمان بود. او که بسیار فلاندری و همچنین بسیار انگلیسی بود، تکنیک فلاندری را با رنگهای سیر و روشن به کار می‌برد و این چنین بود که با پیروی از مد



منظره روستایی، فرانک والتون، رنگ روغن روی بوم، ۶۴ × ۹۰ سانتیمتر، مکتب انگلیس.

۱- پرده نقاشی «اسبهای پست در انتظار تعویض»، اثر جان فردریک هرینگ (J. F. Herring)، ۱۷۹۵-۱۸۶۵، رنگ روغن روی بوم. او که تحصیلات هنری بسیار کمی داشت، مدت زیادی از جوانی اش را به عنوان نقاش کالسکه‌ها و سپس به عنوان کالسکه‌چی گذراند. پس از کسب شهرت به کمک مالی دوستانش تمام وقت خود را صرف نقاشی کرد. او به مدت ۳۳ سال متوالی تصاویری از اسب کشید. پرده نقاشی موجود در موزه هنرهای زیبا، یکی از بهترین کارهای این هنرمند انگلیسی است که با دیدی بسیار واقع‌گرایانه نقاشی شده است.

۲- پرده نقاشی «منظره روستایی» (در همین شماره مجله موزه‌ها چاپ شده است)، رنگ روغن روی بوم، اثر فرانک والتون (Frank Walton)، متولد سال ۱۸۴۰ میلادی، در لندن، که در سال ۱۹۲۸ درگذشت. وی، در سال ۱۸۶۰ شاگرد آکادمی سلطنتی لندن بود و مدال طلای ترنر را برای منظره سازی به دست آورد. او عضو و سپس رئیس

عکس‌العمل نشان داد. نقاشان بسیاری در این جنبش راه یافتند، اما پیش-رافائل‌گرایی، در نظریه‌اش جذابیت بیشتری داشت، تا در نتایج عملی اش. و اگر چه این جنبش، گرایشهای زیبایی براسکین (Ruskin)، برنر-جونز (Burnes Jones) و چند تن دیگر از نقاشان - که جایگاهی شایسته در تاریخ هنر دارند - ایجاد کرد، اما این هنرمندان، به طور دقیق دستوره‌های پیش-رافائل‌گرایی را به کار نبستند.

شیوه برداشت‌گرایی (Impressionism) که نفوذ بسیاری در اروپا داشت، موفقیت فراوانی در انگلیس به همراه داشت، اما پیروان زیادی پیدا نکرد. انگلستان ترجیح داد میزبان و استلر آمریکایی، سیسلی و مونه فرانسوی باشد، که از مناظر اطراف لندن الهام می‌گرفتند.

در سده بیستم میلادی، شخصیت یا جنبش هنری قابل ملاحظه‌ای در انگلستان مشاهده نمی‌شود. از این مکتب تعدادی پرده نقاشی در موزه هنرهای زیبا موجود است که به شرح چهارتای آن می‌پردازیم:

انستیتی سلطنتی نقاشان آبرنگ کار شد. والتون، نقاش -  
منظره و صحنه‌های دریایی است. از این هنرمند در  
موزه‌های بیرمنگام و لیورپول (انگلیس)، موزه ملبورن  
(استرالیا) و کیپ‌تاون (آفریقای جنوبی) آثاری موجود  
است.

۳- پرده نقاشی «ساحل صخره‌ای»، رنگ روغن  
روی بوم، اثر پیتر گراهام (Peter Graham) متولد ۱۸۳۶  
میلادی. این نقاش بیانگر ظرافتهای مناظر شاعرانه کوهها و  
دریاچه‌های اسکاتلند است. آثار او در موزه بریستول و  
تیت گالری لندن موجود است. پرده نقاشی موجود در  
موزه هنرهای زیبا از آثار برجسته اوست.

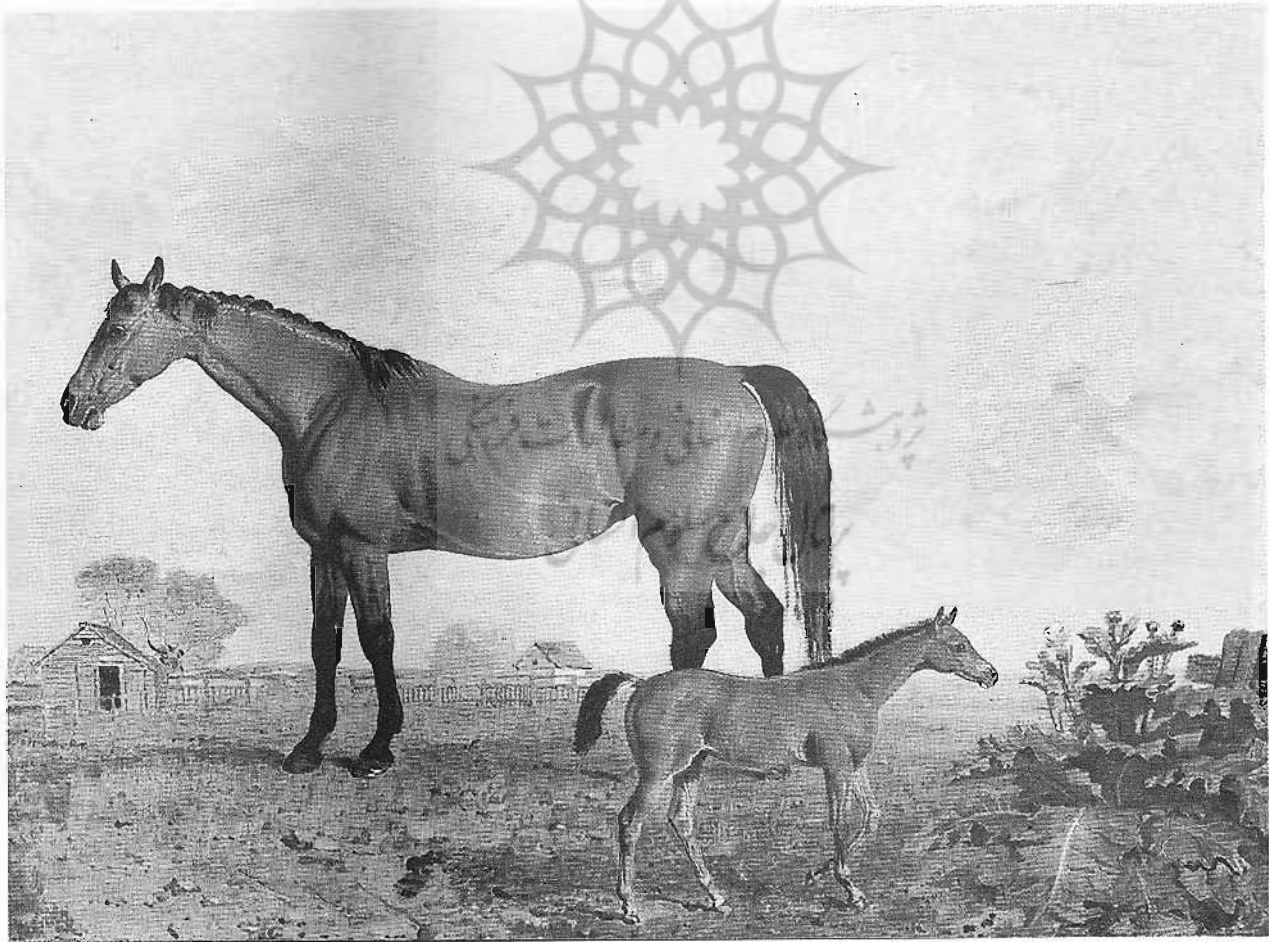
۴- پرده نقاشی «مادیان آقای بانگ» (این نقاشی در  
همین شماره مجله موزه‌ها چاپ شده است)، رنگ روغن  
روی بوم اثر بنجامین و لمبرت مارشال (Benjamin & Lambert  
Marshall) بنجامین مارشال، هنرمند انگلیسی، شهرت نسبی

مادیان آقای بانگ، بنجامین و لمبرت مارشال، رنگ‌روغن روی بوم، ۱۰۲ × ۸۵ سانتیمتر، مکتب انگلیس

را به عنوان نقاش موضوع‌های ورزشی، در اوایل سده ۱۹  
میلادی کسب کرد. تخصص او در تصاویر مسابقات  
اسب‌دوانی و اسب بود. پس از تصادفی که در سال ۱۸۱۹  
میلادی، با کالسکه کرد، لمبرت مارشال (۱۸۱۰-۱۸۷۰)  
که احتمالاً برادر او بود، در نقاشی به وی کمک می‌کرد.

#### مکتب فرانسه

عظمت مکتب فرانسه در تنوع و تداوم آن است.  
بدون شک، فرانسه نتوانسته نوابغی مانند لئوناردو  
داوینچی، روبنس یا میکل آنژ داشته باشد، اما همیشه  
بیگانگان حسرت تعداد بی شمار استادان و تنوع کار آنها را  
خورده‌اند. در واقع، نبوغ فرانسوی، در نقاشی و پیکره  
سازی نبوغ تعادل است. در نیمه راه تخیل هذیان گونه  
هنرمندان ایتالیایی، تاثیرانگیزی هنرمندان اسپانیایی،



واقع‌گرایی اغلب خشک و کور نقاشان آلمانی، دقت موشکافانه منظره و نقاشیهای اندرونی (صحنه‌های زندگی روزانه) هلندی، و میان افراط رنگی ویژه مکتب فلاندر، فرانسه توانست یک جو هنری هماهنگ و دائمی ایجاد کند.

چهره‌سازی، گونه‌ای از هنر است که فرانسویان در آن همیشه اشتیاق نشان داده‌اند. منظره‌های آنان، اگرچه مانند منظره‌های واقع‌گرا و دقیقاً عکاسانه نقاشان فلاندری نیست، ولی در عین حال پر از نور، آفتاب و انعکاسهایی است که با دقت بسیار اجرا شده است. موضوع دآمداری در پرده نقاشیها، نمونه کاملاً فرانسوی است. در این میان، پرده نقاشیهای مذهبی هنرمندان فرانسه، فاقد جدیت است. نقاشان فرانسه، گونه‌ای خاص از ترکیب (Composition) در پرده نقاشی داشته‌اند که تعادل آگاهانه در آن مورد استفاده قرار گرفته است؛ یک ترکیب، همیشه متقارن نیست، اما وزن و آهنگ ساده آن خیلی سریع نظر بیننده را جلب می‌کند. هماهنگی، تنوع و جذابیت معنوی اینها، کیفیت اصلی پرده نقاشیهای فرانسوی است.

سده پانزدهم میلادی، پرافتخارترین سده نقاشی فرانسه است. احساسات مذهبی مسیحی هنرمندان این دوره، که بیشتر شاعر بودند تا عارف، صحنه‌های جذاب و ملایم مذهبی را به وجود آورد. در سده هفدهم میلادی، فرانسه در چهار راه برخورد هنر فلاندری و ایتالیایی، شیوه نو-تصویری خود را ابداع کرد. پوسن (Poussin) داستانهای اساطیری را نقاشی کرد و کلود (Claude) مکتب منظره گرایان فرانسه را به وجود آورد. واقع‌گرایی نقاشان، لاتور (Latour) و لونن (Le Nain) اختلاطی از شیوه کاراواجو (Caravaggio) ایتالیایی و نقاشی صحنه‌های زندگی روزانه هلندی است. نقاشی و پیکره‌سازی فرانسه، در سده هیجده میلادی، با موضوعهای ساده و ترکیب ماهرانه، همراه با رنگهای متضاد و هموار که روی بوم به کار رفته، برای همه مردم قابل درک است. از همین جاست که هنر فرانسه، علیرغم انتقادهای بسیار شدید، موقعیتی برتر در تمام اروپا یافت. کهنه پرستی و جستجوهای هندسی داوید (David)، روبنس‌گرایی دلاکروا (Delacroix)، رافائل‌گرایی انگر (Ingres)، طبیعت‌گرایی (Naturalisme) خشن کوربه (Courbet)، واقع‌گرایی شاعرانه کورو (Corot)،

جستجوهای بسیار متنوع بر روی حرکت، روابط نوری و رنگی هنرمندان احساس‌گرا، همه اینها فرانسه را در سده گذشته، همانند ایتالیا در قرن چهاردهم میلادی، به مرکز بارور هنر تبدیل کرد.

در سده بیستم میلادی، هنرمندان خارجی در فرانسه گرد آمدند و پژواکی از نقاشی فرانسوی در کشورهای دیگر به وجود آمد.

شیوه کویسم (Cubisme) که در پاریس به وسیله نقاشان فرانسوی یا اسپانیایی ایجاد شد، در خارج از فرانسه پیروان بیشتری یافت.

فوویسم (Fauvisme) شیوه‌ای بر اساس ارائه رنگ‌ناب، فوق واقع‌گرایی (Surréalisme)، نقاشی تجریدی (Abstrait)، جریان نقاشی ساده (Naïf)، و نو-واقع‌گرایی (Néo-réalisme)، به وسیله نقاشان که آمدند تا نزد استادان فرانسوی آموزش ببینند، نسخه برداری، تقلید و متحول شد.

در مکتب فرانسه، مکتب‌های فرعی دیگری چون اکس، آلزاس، آوینیون، باریزون، فوتن بلو و... وجود دارد. نام آورترین این مکتبها باریزون است که احساس‌گرایی مانند رنوار (Renoir) از آن الهام گرفته‌اند. در این مکتب، دو پرده نقاشی به نام‌های «پایان یک روز» و «دختران روستائی»، رنگ روغن روی بوم از ژول برتون (۱۹۰۶-۱۸۲۷)، در موزه هست. این هنرمند فرانسوی به خاطر نقاشی از مناظر طبیعی و صحنه‌های زندگی روزانه معروف است. برتون آثارش را از سال ۱۸۴۹ به نمایش گذاشت، اما نمایشگاه جهانی سال ۱۸۵۵ پاریس بود که او را به شهرت رساند. او رانقاشی واقع‌گرا، که آثارش آمیخته با شعر است شناخته‌اند. واقع‌گرایی او به موضوع پرده نقاشی اش بستگی دارد. او در طبیعتی که می‌دید، دخل و تصرفی نمی‌کرد، ولی توجیه او با چنان ظرافتی همراه بود که او را تا ایده آلیسم می‌کشاند. دو پرده نقاشی موجود در موزه هنرهای زیبا از معروفترین کارهای اوست. پرده نقاشی‌های دیگری از او در موزه‌های آنورس، پاریس، نیویورک و... موجود است.

پرده نقاشی «شیرها سرچشمه»، رنگ روغن روی چوب، اثر تاده اِستی‌کا، متولد ۱۸۸۹ در کیلس از شهرهای لهستان (تصویر این پرده نقاشی، در همین شماره مجله

چاپ شده است). استی کا، چهره‌ساز، نقاش صحنه‌های روزانه، حیوانات و نیز پیکره‌ساز بود. در کودکی به پاریس رفت. از یازده سالگی کارهایش را به نمایش گذاشت. او در سالن هنرمندان فرانسوی در سال ۱۹۰۴، به دریافت مانسیون افتخاری نائل آمد. وی به عنوان یکی از نام‌آورترین چهره‌سازان اخیر شناخته شده است. در سال ۱۹۳۴ در نیویورک درگذشت.

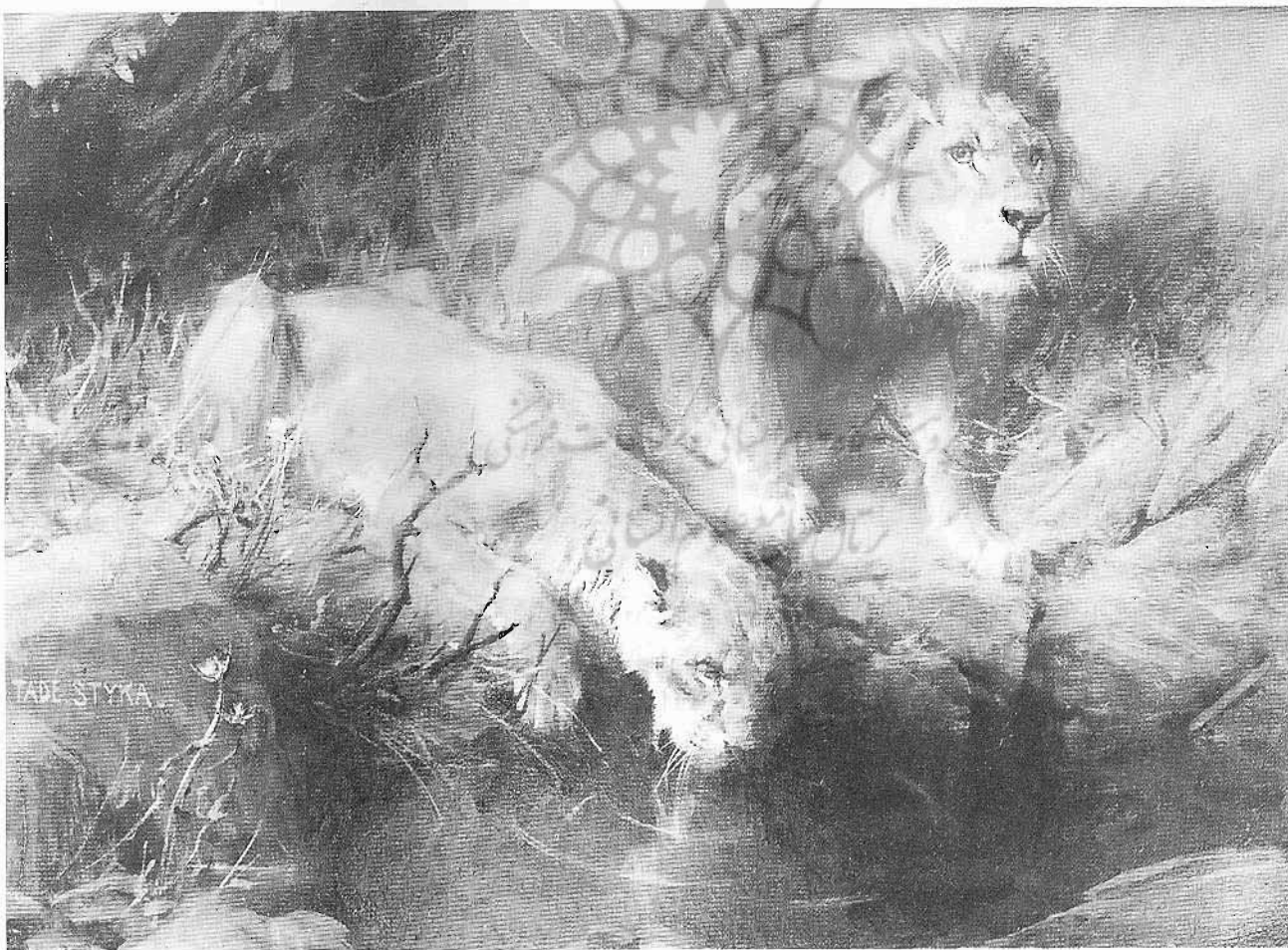
پرده نقاشی «باغ سیدبن سعید در مراکش»، رنگ روغن روی چوب، اثر آلبرمارکه. این هنرمند فرانسوی، در شهر بوردو، در سال ۱۸۷۵ متولد شد و در سال ۱۹۴۷ در پاریس مُرد. او با ماتیس در کارگاه گوستاو مورو کار می‌کرد. آلبرمارکه در جنبش هنری فویستها شرکت داشت. کارهای او در موزه هنر معاصر پاریس، موزه الجزیره، موزه گرنوبل و لیون و نگارخانه‌های ملی انگلستان، آلمان،

شیرها سر چشمه، تاده‌استی کا، رنگ‌روغن روی فیبر، ۵۸ x ۷۵ سانتیمتر، مکتب فرانسه.

اسکاندیناوی، آمریکا، ژاپن و مصر موجود است. پرده نقاشی «خواب»، اثر سالوادور دالی نقاش معاصر فوق واقع‌گرا (این پرده نقاشی در همین شماره مجله چاپ شده است) و پرده نقاشیهای دیگری از برنارد بوفه، ژان دوفی، دونوایه دوسگونزاک، واسیلی خملوک و ژان مسازیه، که همگی به حرکت‌های هنری سده اخیر تعلق دارند، در موزه هنرهای زیبا موجود است.

#### مکتب فلاندر

تا پیش از سده نوزده میلادی، سرزمینی با نقشه جغرافیایی مشخص و مرزهای ثابت به نام فلاندر وجود نداشت. در سده نوزده میلادی، با سرزمینهای پست شمال (هلند و...) و فرانسه شمالی یک واحد سیاسی بزرگ را ساخت، و آنگاه پس از پیوستگی به بورگوین، فرانسه،





خواب، سالوادور دالی، آکرلیک روی بوم، ۱۵۸ × ۱۴۰ سانتیمتر.

شاعرانه باشد «اشتها آور» است. نخستین کارهای رنگی مشهور تاریخ فلاندر، به سده نهم میلادی تعلق دارد. نقاشان این عصر با تکنیکی بنیادی و مستقل رو در روی تمثال‌سازی بی‌زانس قرار گرفتند. در سده‌های بعد، به ویژه در سده دوازدهم میلادی، تکنیک محدود می‌شود و مینیاتورسازان، برای تصویر صحنه‌های کوچک، اما پرازدحام به کاری دست زدند که به نتایج مثبت آن اطمینان نداشتند. از اینجاست که ذائقه بلژیکی و حتی کاریکاتور، تدریجاً به خاطر دقتشان پدیدار شدند. سده چهاردهم میلادی، زمانی است که مینیاتورسازان فلاندری بر اروپا مسلط شدند. قدیم‌ترین

امپراتوری آلمان و حتی اسپانیا، به ملتی کوچک تبدیل شد، اما اصالت و شخصیت خود را حفظ کرد. فلاندر کشورتجار و صنعتگران دستی فعال است که از همین طریق مشهور شده است. مکتب بارور فلاندر، از سده پانزده تا هفده میلادی به وسیله نقاشان بزرگ و جاودانه‌ای نضج گرفت. هنر فلاندری، همیشه ساده، اما پردرخشش بوده است. واقع‌گرایی، با تأکید بر جزئیات بسیار دقیق و با خیالپردازی اغلب ساده درهم می‌آمیزد. هموطنان روبنس (Rubens) ذوق فوق‌العاده‌ای در استفاده از رنگهای با شکوه داشتند. آنها درجات رنگی پردرخشش و تضادهای سخت را دوست داشتند. هنر این سرزمین عموماً، قبل از آنکه

نقاشی رنگ روغن فلاندری، متعلق به سده سیزدهم میلادی است، اما مکتب مشخص نقاشی، در این سرزمین، در سالهای آخر همین سده دیده می‌شود. ژان مالوئل (Jean Malouel)، و به دنبال او برادران وان ایک (Van Eyck) اولین نقاشان بزرگ فلاندری هستند. هوگو واندرگوز (Hugo van der Goes)، مشخص‌ترین نقاش فلاندری در سده شانزدهم میلادی است. او مبتکر شیوه‌ای نو است که تمام قرار دادهای ابتدایی و جستجوهای بسیار دقیق را نفی می‌کند. هانس مملینگ (Hans Memling) به وسیله قریحه فلاندری، این تحول را به انجام رساند. ژرار داوید (Gerard David)، کانتن متسیس (Quentin Metsys) و ژان پره‌وست (Jean Prevost)، پیروان مملینگ بودند. در این حال مکتب مملینگ در بروژ (Bruges)، مرکز فلاندر غربی، گرایشی تصویری با الهام از واقع‌گرایی و حتی شاید بتوان گفت فوق واقع‌گرایی را در آنورس پیروز گردانید.

نقاشان دیگری نیز همراه با ژروم بوش (Jerome Bosch) و بروگل مهتر (Brueghel)، که نماینده جنبش بروزی هستند، به بدوی‌گرایان آغاز سده پانزده میلادی پیوند می‌خورند. در ابتدای سده شانزده میلادی، نفوذ نقاشی ایتالیایی در فلاندر آغاز شد. نقاشانی که به ایتالیا سفر کرده بودند، از شکوه مکتب رومی تأثیر پذیرفتند. واکنش علیه جنبش رومی‌گرایی (Romanisme)، سرانجام در سده هفده میلادی پیروز شد، که اُتوونیوس (Ottovenus)، استاد روبنس، از نمایندگان این جریان بود. با وجود این، نمی‌توان روبنس را که نقاش‌ترین نقاشان همه زمانهاست، در مکتبی گنجانند. اگرچه روبنس، هنرمندی چهره‌ساز، آذین‌گر، منظره‌ساز، نقاش موضوعهای مذهبی، و تصویرگر حیوانات، تواناترین نقاش این سرزمین است، اما در حقیقت، تنها به یک ملت تعلق ندارد. نبوغ و نفوذ او در بند زمان و مکان نیست. پس از روبنس، و در طول سده هفده میلادی، بیشتر از نقاشیهایی که از روبنس تأثیر پذیرفته‌اند صحبت می‌شود، تا از نقاشی فلاندری. وان دیک، شاگرد شایسته روبنس بود. تولید تصویری احساس برانگیز فلاندری در سده هفده میلادی، سبب به وجود آمدن گروه نقاشان منظره‌گرا، نقاشان صحنه‌های جنگی و دریایی، نقاشان جشنها، نقاشان گلها و نقاشان حیوانات شد. بسیاری از این هنرمندان در کارگاه روبنس کار کردند و از

نبوغ او بهره‌مند شدند. نقاشی صحنه‌های زندگی روزانه، که در فلاندر رواج داشت، به وسیله گروهی از استادان کوچکتر که استعدادشان بیش از اصالت کارشان بود، اجرا شد.

سده هیجده میلادی، عصر سقوطی بنیادین در نقاشی فلاندری بود. در پایان این سده، نقاشی فلاندری، بدون بهبود دگرگون شد. پرده نقاشی «مشغول تعمیر توری»، رنگ روغن روی بوم، اثر هانری ژاک بوریس (H. Jacques Bource)، از نقاشیهایی این مکتب است که در موزه هنرهای زیبا نگهداری می‌شود. بوریس، که در دوم دسامبر ۱۸۱۶ یا ۱۸۲۶ در آنورس به دنیا آمد و در سال ۱۸۹۹ در همان شهر در گذشت، نقاش صحنه‌های زندگی روزانه بود. وی شاگرد واپر (Wapper)، نقاش مکتب بلژیک و رئیس آکادمی آنورس - از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۵۵ - در آکادمی سلطنتی بود. هانری ژاک بوریس، پرده نقاشی «ویرانه‌ها» (روز بعد از طوفان بر ساحل هلند) را، در سال ۱۸۷۵ در سالن پاریس به نمایش گذاشت.